

رژیم ایران و دولتهای بزرگ(آمریکا، اروپا)، روسیه، چین و..... پروژه اتمی رژیم ایران- آژانس بین المللی انرژی، شورای امنیت ملل متحد و چالشهای جهانی با رژیم ایران

دور دوم مذاکره ایران و آمریکا برگزار می شود سه شنبه 2 مرداد 1386(24 ژوئيه 2007)

سرمایه: دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا امروز در بغداد و در سطح سفرا برگزار می شود. هوشیار زیباری وزیر امور خارجه عراق روز گذشته در حالی از زمان برگزاری دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا خبر داد که یک روز پیش از آن سخنگوی وزارت امور خارجه ایران زمان برگزاری این مذاکره را نامشخص اعلام کرد.

دور اول مذاکرات ایران و آمریکا با جنجال و سر و صدای فراوان با هدف یافتن راهکاری برای خروج عراق از بحران ناامنی که پس از اشغالگری گریبانگیر آن شده در شرایطی برگزار شد که حساسیت پشت یک میز نشستن نمایندگان تهران و واشنگتن برای اولین بار پس از 27 سال محوریت مذاکره را تحت الشعاع قرار داد و بر همین اساس آنچه در این دور از مذاکرات مورد توجه قرار گرفت تنها آب کردن یخ روابط دو کشور بود تا با شکستن قبح مذاکره نمایندگان ایران و آمریکا راحت تر از قبل به گفت و گو بپردازند. به عقیده برخی تحلیلگران تنها راه افزایش ابعاد پیشرفت مذاکرات، مکالمات غیررسمی و محرمانه میان دو کشور است. برگزاری نشست های علنی با جنجال و حواشی زیاد تنها به تبادل شکایات ختم می شود و معمولاً از ارزش کمی نیز برخوردار است.

پیش از این بارها تهران، آمریکا را به اشغالگری و بحران آفرینی متهم می کرد و ناامنی های حاکم بر عراق را ناشی از سیاست های غلط واشنگتن اعلام می کرد. در مقابل واشنگتن نیز تهران را به همراهی با گروه های سنیزه جو و در اختیار قرار دادن تسلیحات به آنها متهم کرده بود. هوشیار زیباری، وزیر امور خارجه عراق نیز با اشاره به اهداف گفت و گوهای نمایندگان ایران و آمریکا تاکید کرده بود که «دولت عراق به هیچ وجه علاقه مند نیست که خاک کشورش به محل تسویه حساب های شخصی کشورهای تبدیل شود».

با این شرایط و با حاکم بودن فضای مسموم و برپا بودن دیوار بلند بی اعتمادی میان دو کشور که بنای آن نیز به سال های طولانی برمی گشت، دور اول مذاکرات برگزار شد. علاوه بر این باید اضافه کرد، جنجال آفرینی و حاشیه سازی رسانه ها در واقع مجال برگزاری نشست های آرام را از دور اول مذاکرات گرفت.

بر همین اساس حاصل چهار ساعت گفت و گو حسینی کاظمی قمی، سفیر ایران در بغداد با رایان کروکر سفیر آمریکا در بغداد تنها مطرح شدن پیشنهاد تهران برای تشکیل گروه سه جانبه امنیتی بود؛ پیشنهادی که به طور جدی مورد موافقت آمریکا قرار نگرفت و کروکر در پایان این نشست در گفت و گو با خبرنگاران با تعجب اعلام کرد که «مگر همین کاری که ما اکنون انجام دادیم غیر از این معنی دیگری دارد».

از این روی دور جدید مذاکرات ایران و آمریکا نسبت به ماقبل با اطلاع رسانی و پردازش کمتری از سوی طرفین برگزار می شود تا شاید از این طریق حساسیت موجود بکاهد که این از جدیت دو طرف برای به نتیجه رسیدن محور مذاکرات حکایت دارد.

در نشست امروز هیات ایرانی را علاوه بر حسین کاظمی قمی که سرپرستی هیات را به عهده دارد «حسین امیر عبدالهیان» رییس ستاد ویژه عراق در وزارت خارجه و «رضا امیری» مدیرکل شورای عالی امنیت ملی تشکیل می دهند.

هیات مذاکره کننده ایران روز گذشته با نوری المالکی، نخست وزیر عراق دیدار کردند. در این دیدار سفیر ایران در بغداد تاکید کرد که: «راهبرد اصلی ایران در شروع دور دوم مذاکرات کمک به ملت و دولت عراق بوده و امیدوارم که از این طریق بتوان خواست و منافع ملت عراق را به منظور کاهش دردها و برقراری امنیت محقق کرد».

به گزارش اداره کل اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه در این دیدار نوری المالکی از این که ایران دعوت نخست وزیر عراق برای ادامه مذاکرات را پذیرفته است، قدردانی کرده و ابراز امیدواری کرد تا دور دوم مذاکرات در چارچوب حمایت از دولت عراق بتواند به نتایج مطلوبی نایل شود.

قمی نیز با اعلام آمادگی طرف ایرانی برای مذاکرات تصریح کرد: «راهبرد اصلی ایران در شروع دور دوم مذاکرات کمک به ملت و دولت عراق بوده و امیدوارم که از این طریق بتوان خواست و منافع ملت عراق را به منظور کاهش دردها و آلام آنها و برقراری ثبات و امنیت از طریق ایجاد سازوکارها مناسب کرد».

همچنین هیات ایرانی دیدارهای جداگانه ای نیز با جلال طالبانی، رییس جمهوری و طارق الهاشمی، معاون رییس جمهوری عراق داشت. الهاشمی در دیدار با هیات مذاکره کننده ایران ابراز امیدواری کرد تا مذاکرات طرف ایرانی با آمریکایی سازنده باشد.

کاظمی قمی نیز ضمن تاکید بر حمایت دایمی ایران از مردم و دولت قانونی عراق گفت: «رایزنی‌های جامعی درخصوص نحوه برپایی دور جدید مذاکرات با مقامات عراق انجام شده است.» همچنین جلال طالبانی نیز از اهتمام جمهوری اسلامی ایران به حل مسایل عراق و کمک به دولت و ملت کشورش قدردانی کرد. طالبانی با اشاره به جایگاه و اهمیت ایران در منطقه ابراز امیدواری کرد که مذاکرات ایران و آمریکا گامی رو به جلو در حمایت بیش‌تر از مردم و دولت منتخب عراق باشد. در هر حال امروز بار دیگر منطقه سبز امنیتی عراق و دفتر نوری المالکی برای دومین بار میزبان مذاکرات ایران و آمریکاست تا شاید یافتن راه‌حلی برای خروج عراق از بحران منجر به یافتن راه‌حلی برای کوتاه‌کردن دیوار بی‌اعتمادی میان تهران و واشنگتن و گام برداشتن به سوی مذاکره برای پایان مسایل مورد مناقشه دو کشور شود.

براون گزینه نظامی علیه ایران را رد نکرد دوشنبه 1 مرداد 1386 (23 ژوئیه 2007)

بی بی سی: گوردون براون، نخست وزیر بریتانیا، از احتمال تشدید تحریم‌ها علیه ایران خبر داده و عملیات نظامی را به عنوان گزینه ای علیه این کشور مردود ندانسته است. آقای براون روز دوشنبه بیست و سوم ژوئیه (اول مرداد ماه) در پاسخ به خبرنگاران گفت اعتقاد دارد که تحریم‌های وضع شده علیه ایران مؤثر است و "احتمالا به زودی قطعنامه‌های دیگری نیز در راه خواهد بود". شورای امنیت سازمان ملل متحد تا کنون دو قطعنامه علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران صادر کرده که بر اساس آن برخی مؤسسات و اشخاص مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای این کشور مشمول تحریم‌های بین‌المللی شده‌اند. به رغم وضع این تحریم‌ها، مقام‌های جمهوری اسلامی تأکید کرده‌اند که به تعلیق غنی‌سازی - که خواست اصلی طرف‌های درگیر در مناقشه هسته‌ای ایران است - تن نمی‌دهند. برخی ناظران می‌گویند موضعگیری نخست وزیر بریتانیا نشان می‌دهد که به رغم کناره‌گیری تونی بلر، سیاست این کشور در قبال مناقشه هسته‌ای ایران تغییری نکرده و بریتانیا به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد قصد دارد روند سختگیری‌های فعلی در مورد جمهوری اسلامی را پی بگیرد. روز دوشنبه همچنین خبرگزاری فرانسه به نقل از علی اصغر سلطانی، نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گزارش کرده که گفتگوها در مقر آژانس در وین فردا آغاز می‌شود. هفته گذشته محمد البرادعی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گفت مقامات ایرانی برای "نخستین بار" موافقت کردند که درباره اهداف اصلی برنامه‌های اتمی این کشور به بحث و گفتگو بنشینند. وی همچنین تصمیم ایران مبنی بر صدور اجازه بازدید بازرسان این آژانس از تاسیسات آب سنگین اراک را حرکتی مثبت خواند و ابراز امیدواری کرد که این وضعیت ادامه پیدا کند.

رویدادهای مهم بین‌المللی و منطقه‌ای

پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ترکیه فردا: یکشنبه 31 تیر 1386 (22 ژوئیه 2007)

شمارش ۹۷ درصد آرا انتخابات پارلمانی ترکیه نشان می‌دهد که حزب عدالت و توسعه به رهبری در انتخابات پیش از موعد پارلمانی ترکیه که روز یکشنبه بیست و دوم ژوئیه برگزار شد حزب عدالت و طبق قانون اساسی ترکیه، حزبی که بتواند نصف به علاوه یک کرسی‌های مجلس یعنی ۲۷۶ کرسی حزب جمهوری مردم به رهبری دنیز بایکال با کسب ۲۱ درصد آرا ۱۱۳ کرسی از پارلمان ترکیه را در افراد مستقل نیز توانستند ۲۶ کرسی پارلمان را در اختیار بگیرند که ۲۳ نفر از آنها را شخصیت‌های کرد به گزارش خبرگزاری‌ها هواداران حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه خود را آماده برگزاری جشن نتیجه انتخابات اخیر پیروزی اخلاقی برای آقای اردوغان محسوب می‌شود. نخست وزیر ترکیه پس از بحران زمانی آغاز شد که حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه عبدالله گل وزیر امور خارجه را کاندید پست

رئیس جمهوری ترکیه و هواداران وی حزب حاکم را متهم می کنند که برنامه ای اسلام گرایانه را در دستور کار خود دارد اما دولت اردوغان این ادعا را رد می کند .

ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه، "والنتین سوبولف" را به جای ایگور ایوانف به عنوان سرپرست شورای امنیت روسیه انتخاب کرد.

جمعه 29 تیر 1386 (20 ژوئیه 2007)

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از منابع روسیه، سوبولف که از سال 1999 سمت معاونت شورای امنیت روسیه را بر عهده دارد پس از پذیرش استعفای ایگور ایوانف به این سمت منصوب شد. بر اساس قانون اساسی وظیفه شورای امنیت روسیه که در 3 جولای 1992 تاسیس شد تنظیم تصمیم های رئیس جمهوری در زمینه تأمین امنیت ملی است و تاکنون این نهاد 10 دبیر به خود دیده است. ایگور ایوانف، که از سال 2004 ریاست شورای امنیت را بر عهده داشت اخیراً طی نامه ای به پوتین از او خواست تا با استعفایش موافقت کند.

گرچه سوبولف 60 ساله بخش اعظم فعالیت خود را در ارگان های امنیتی گذرانده و از سال 1972 پست های مختلفی در "کا. گ. ب"، وزارت امنیت، سازمان فدرال ضد جاسوسی و سازمان امنیت فدرال روسیه داشته، لیکن سمت سرپرستی او بر این نهاد نشان می دهد که کرمیلین به دنبال فرد دیگری برای دبیری این نهاد است.

منابع آگاه براین باورند که یافتن شخصی مناسب برای این سمت ممکن است ماه ها بطول انجامد و این بدان سبب است که احتمال می رود پس از انتخابات سال 2008 ریاست جمهوری در این کشور، اقتدار و قدرت این نهاد افزایش یابد و حتی به وزنه ای در مقابل ساختار ریاست جمهوری تبدیل شود. "ویکتور چرکسوف" رئیس اداره دولتی مبارزه و کنترل مواد مخدر، "بوریس گریزلف" سخنگوی دوما دولتی و "یوری چاپکا" دادستانی کل روسیه افرادی هستند که به باور تحلیلگران داخلی جانشینان احتمالی ایوانف می باشند، لیکن با وجود شانس بیشتر چرکسوف که شخصیتی کاملاً جدی دارد هنوز اتفاق نظری در این باره دیده نمی شود.

رویدادهای عراق و نیروهای موثر در عراق

راهکار "تایم" برای پایان اشغال پنج ساله عراق

نیویورک، خبرگزاری جمهوری اسلامی

شنبه 30 تیر 1386 (21 ژوئیه 2007)

هفته نامه آمریکایی تایم در گزارشی مفصل به بررسی چگونگی پایان اشغال پنج ساله عراق و آغاز عقب نشینی ۱۶۰ هزار سرباز آمریکایی از آن کشور پرداخته است.

تایم روز جمعه نوشت: دو اندیشه بزرگ در مورد اقدام بعدی آمریکا در عراق وجود دارد که تقریباً هر دو آنها به صورت قطعی اشتباه هستند.

به نوشته تایم، نخستین ایده که اکثر دمکرات ها در کنگره آمریکا از آن حمایت می کنند معتقد است آمریکا از مدت ها قبل می بایستی از عراق خارج می شد.

"بهترین مساله ای که هم اکنون می تواند رخ دهد این است که نیروهای آمریکایی هرچه سریع تر از عراق خارج شوند، عراقی ها را مجبور کنند که سرنوشت خود را به دست گیرند و کشورهای حوزه خلیج فارس را متقاعد سازد که از حاشیه بیرون آیند.

بنابر این دیدگاه، حضور گسترده نیروهای آمریکایی در خاورمیانه بهترین ابزار ممکن برای القاعده جهت جذب نیروهای جدید است و به همین علت خروج از عراق بهترین راه برای خنثی کردن این احتمال است.

علاوه بر آن آمریکا می تواند از ۱۰ میلیارد دلاری که ماهانه در جنگ هزینه می کند برای نجات ارتش و سپاه تفنگداران دریایی که در حال سقوط هستند استفاده کند.

از نظر گروه دوم کاملاً مشخص است که تنها راه ممکن ادامه جنگ تا هر زمانی است که لازم باشد. این گروه که با مقامات دولت بوش هم عقیده هستند اعتقاد دارند که خروج نیروهای آمریکایی از عراق باعث راه افتادن حمام خون در عراق، دادن پیروزی های بزرگ به القاعده، بی ثباتی خلیج فارس و به

قدرت رسیدن تروریست ها در تمامی نقاط برای حمله به متحدان ما و خاک آمریکا خواهد شد. کاخ سفید و حامیان آن که در معرض این خطرات قرار دارند معتقدند آمریکا هیچ گزینه ای جز این ندارد که

تا زمان شکل گیری دمکراسی در عراق در این کشور باقی بمانند، پروژه ای که به گفته خود آنها يك نسل به طول خواهد انجامید.

چهار سال پس از تهاجم آمریکا به عراق هیچ کدام از این خط مشی ها معنی چندانی ندارد، حمایت سیاسی از جنگ کاهش یافته، آمریکایی ها خواستار بازگشت نیروهای خود به خانه هستند ولی آنها

این مساله را نیز می دانند که این اتفاق به زودی رخ نخواهد داد و هر زمانی که آمریکا از عراق خارج شود، این کشور می تواند بسیار آشفته تر و خشنوت آمیز تر شود.

آنها این مساله را آموخته اند که در خاورمیانه هیچ کنترلی بر وقایعی که ممکن است رخ بدهد ندارند و دیدگاه شما نسبت به جنگ یا چگونگی شکل گیری آن هرچه که باشد، وقایع احتمالاً آنگونه که انتظار می رود رخ خواهد داد.

در حالی که کاخ سفید و کنگره بر سر جدول های زمانی و معیارها، برآوردهای اطلاعاتی و گزارش ها بحث می کنند، سؤال واقعی که وجود دارد همان سئوالی است که هیچ کدم از طرفین به خوبی به آن

پاسخ نمی‌دهند، یعنی ما چگونه از عراق خارج شویم که خطرات را به حداقل برساند و کارهای ممکن را به نحو احسن انجام دهد.

بهترین مغزهای استراتژیک در دو حزب جمهوریخواه و دمکرات ماه‌ها است که اعلام کرده‌اند پاسخ به این سؤال این است راه خروج خود از عراق را در هم و برهم کنیم، زیانهای خود را با دقت کاهش دهیم و سعی کنیم آنچه را که می‌توانیم از این مأموریت نجات دهیم.

حتی در بهترین شرایط نیز عقب نشینی آمریکا از عراق باعث وارد شدن لطمه به شهرت آمریکا خواهد شد. البته این رسوایی منافی را نیز به همراه خواهد داشت، در صورتی که آمریکا به صورتی خردمندانه از عراق خارج شود، آمریکا می‌تواند توانایی خود برای پیشبرد منافعش و جلوگیری از تجاوزات فراتر از عراق را مجدداً به دست آورد.

آنچه ما به آن نیاز داریم يك شعار سياسي نیست، بلکه يك سياست چند جانبه است. بنابر این طرح ما باید به دولت عراق صریحاً اعلام کنیم که قصد داریم از عراق عقب نشینی و از اواسط سال ۲۰۰۸ نیز عقب نشینی منظم خود را از این کشور را آغاز کنیم و نیمی از نیروها را به خانه بازگردانیم. حدود ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تن از نیروهای آمریکایی در عراق باقی خواهند ماند تا از حیاتی‌ترین منافع آمریکا یعنی عدم ارائه پناهگاه به القاعده و جلوگیری از گسترش جنگ داخلی تقریباً اجتناب ناپذیر عراق به کشورهای همسایه دفاع کنند، البته کاهش حضور نظامی آمریکا در عراق باید با افزایش فعالیت‌های دیپلماتی آمریکا در منطقه همراه باشد.

خروج آهسته از عراق چندان امید بخش نیست و نه جرح بوش را راضی خواهد کرد و نه رقیبان او. این وضعیت احتمالاً بسیار شبیه به همان وضعیت آشفته‌ای است که نیروهای آمریکایی هم اکنون دارند. حال آنکه عقب نشینی مسئولانه باعث به حداقل رسیدن تلفات آمریکا و خروج آمریکا از وضعیت سیاسی می‌شود که هم اکنون در داخل کشور درگیر آن شده است. در جهانی که مملو از گزینه‌های بد است، عقب نشینی چند مرحله‌ای بهترین گزینه موجود است.

بحث‌های سیاسی در مورد عراق دیگر مفید نیست، در روزهای اخیر در مجلس سنا، دمکرات‌ها خود را برای تشکیل جلسه شبانه در مورد قطعنامه دیگری که محکوم به شکست بود آماده می‌کردند. این لایحه که توسط "کارل لوین" و "جک رید" تهیه شده بود خواستار آن بود که دولت طی ۱۲۰ روز عقب نشینی از عراق را آغاز کند و تنها تعداد بیان نشده‌ای از نیروها را در عراق باقی بگذارد تا با تروریست‌ها مبارزه و از سفارت آمریکا در بغداد محافظت کنند.

ممکن بود بسیاری از جمهوریخواهان اگر احساس نمی‌کردند که دمکرات‌ها آنها را تمام شب بیدار نگه داشته‌اند تا به ضرر بوش برای خود امتیاز کسب کنند به صورت خصوصی از آن حمایت می‌کردند ولی حتی در صورتی که این لایحه به تصویب می‌رسید نیز کارشناسان لجستیک ارتش می‌گویند به بیش از ۱۲۰ روز برای بازگرداندن نیمی از نیروها از عراق زمان احتیاج دارند.

واقعیت این است که خروج سریع از عراق بسیار دشوار است. شوروی برای خروج ۱۲۰ هزار نیروی خود از افغانستان ۹ ماه زمان صرف کرد. هرچند آنها تنها می‌خواستند به کشور خود که در همسایگی افغانستان بود بازگردند، ولی در این راه بیش از ۵۰۰ نیروی خود را از دست دادند.

به گفته مقامات پنتاگون، خارج کردن ۱۰۰ گردان جنگی (نزدیک به ۳۰ هزار نیرو به همراه تجهیزات و نیروهای پشتیبانی آنها) دستکم ۱۰ ماه به طول خواهد انجامید، البته این تنها بخشی از تصویر است زیرا غیرنظامیانی نیز وجود دارند که احتمالاً می‌خواهند با آغاز عقب نشینی نیروهای آمریکایی از این کشور خارج شوند.

در میان آنها حدود ۵۰ هزار پیمانکار آمریکایی و ده‌ها هزار عراقی وجود دارد که ممکن است وقتی بخواهیم از عراق خارج شویم به محافظت احتیاج داشته باشند.

مقامات نظامی آمریکا اخیراً به کنگره اعلام کرده‌اند ۴۵ هزار خودروی جنگی-زمینی (بخش قابل ملاحظه‌ای از کل تانک‌ها، بالگردها، نفربرهای زرهی، و کامیون‌ها) هم اکنون در عراق است که در ۱۵ پایگاه، ۳۸ انبار تجهیزات، ۱۸ مرکز تأمین سوخت و ۱۰ انبار مهمات پراکنده شده‌اند.

این تجهیزات یا باید نابود و یا به آمریکا بازگردانده شوند تا در دست گروه‌های مختلف عراقی قرار نگیرند. مقامات آمریکایی تلاش خواهند کرد تا حد ممکن تمامی تجهیزات را از عراق خارج کنند.

"ویلیام پاگونیس" که در دوران جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ فرمانده لجستیک ارتش آمریکا بود و ارسال تجهیزات به عربستان و در نهایت خروج از آن را فرماندهی کرده بود به مانع دیگری اشاره می‌کند که اکثراً به آن توجهی نمی‌کنند.

به گفته وی بازرسان کشاورزی آمریکا تأکید دارند که پیش از آنکه این تجهیزات وارد آمریکا گردد، تجهیزات نظامی باید عاری از هرگونه میکروب میکروسکوپی باشند.

به محض آنکه آمریکا تصمیم به عقب نشینی گیرد، خطرات امنیتی علیه نیروهای که قصد خروج از میدان نبرد را دارند افزایش خواهد یافت و هر اندازه این عقب نشینی سریع تر صورت گیرد خطرهای بیشتر خواهد شد.

به گفته پاگونیس، نیروهای که در حال خروج هستند تمرکز خود را از دست می‌دهند و به اهدافی آسان تبدیل می‌شوند زیرا شبه نظامیان داخلی معمولاً برای اثبات جرات خود اقدام به تیراندازی به نیروهای می‌کنند که در حال عقب نشینی هستند.

"باری ملک کافری" ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا که از عقب نشینی جزئی از عراق حمایت کرده، می‌گوید پس از آنکه بسیاری از تجهیزات را نابود کردیم یا آن را در اختیار عراقی‌ها قرار دادیم،

نیروهایي که به سمت سواحل در حرکت هستند تا از کشور خارج شوند مورد تیراندازی قرار خواهند گرفت.

خروج تدریجی از عراق مسیر عافانه‌ای نیست، بلکه تنها مسیر باقی مانده است. هرچند کاهش حضور نظامی نیروهای آمریکایی در عراق باعث کاهش تلفات آن خواهد شد، ولی واقعیت تکان‌دهنده‌ای که وجود دارد این است که با کاهش تلفات نیروهای آمریکایی، تلفات در میان عراقی‌ها قطعاً افزایش خواهد یافت.

پیش بینی دقیق میزان تلفات ممکن نیست ولی اکثر ناظران معتقدند در صورت خروج نیروهای آمریکایی، تلفات در میان عراقی‌ها که هم اکنون بیش از یک هزار نفر در ماه است شدیداً افزایش خواهد یافت.

...هرچند ممکن است عراق به رواندایی دیگر تبدیل نشود که در آن طی شش ماه بیش از نیم میلیون نفر در سال ۱۹۹۴ به قتل رسیدند، ولی احتمالاً همانند یوگسلاوی سابق خواهد شد که از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ حدود ۲۵۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند.

همچنین هیچ بحثی وجود ندارد که با خروج نیروهای آمریکایی، بغداد فوراً تحت سلطه شبه نظامیان شیعه قرار خواهد گرفت، همچنین قتل سنی‌ها توسط جوخه‌های مرگ افزایش خواهد یافت. شورشیان سنی و برخی از عناصر حکومت سابق صدام حسین نیز در مقابل با سلاح اصلی خود یعنی خودروهای بمب‌گذاری شده اقدام به حمله علیه بازارها، زیارتگاه‌ها و ایستگاه‌های پلیس شیعیان خواهند نمود.

یکی از نتایج طرح افزایش نیروی آمریکا این بوده که آمریکا مسئولیت بیشتری را بر عهده شیخ‌های قبایل سنی قرار داده و به آنها تسلیحات نیز داده است. البته تا زمانی که آمریکایی‌ها در عراق حضور دارند این خطر قابل مدیریت است ولی در صورت خروج آنها، طرح کنونی آمریکا شبیه به آتش زدن در جنگلی خشک خواهد بود.

این درحالی است که خطر موجود تنها خطر کشتارهای فرقه‌ای نخواهد بود. یکی از دیپلمات‌های ارشد عربی می‌گوید نگرانی اصلی ما این است که اگر آمریکا اعلام کند قصد خروج کامل از عراق را دارد این مسأله ممکن است باعث تشویق برخی از عناصر در تمامی گروه‌های سیاسی گردد که حال خواهند توانست برنامه‌های خود را پیش ببرند. در این میان برخی از کارشناسان معتقدند عراقی‌ها پس از مدت کوتاهی خشونت و انفجار بار دیگر کنترل کشور خود را به دست خواهند گرفت و به همین علت فکر می‌کنند بهتر است آمریکا تاریخ دقیقی را برای عقب نشینی خود از عراق اعلام کند تا عراقی‌ها را مجبور کند پیش از آغاز عقب نشینی با یکدیگر در مورد کنترل عراق به توافق برسند. البته هم اکنون نشانه‌های زیادی به چشم نمی‌خورد که نشان دهد دولت کنونی عراق قادر خواهد بود خود را حفظ کند یا اینکه همسایگان عراق برای ایجاد ثبات در این کشور تلاش کنند.

بدترین سناریوی ممکن در مورد عراق جنگی داخلی است که به یک درگیری منطقه‌ای تبدیل شود. کشورهای سنی منطقه مانند عربستان، اردن و سوریه اقدام به ارسال کمک‌های مالی و تسلیحاتی به سنی‌های عراق خواهند کرد تا به مقابله با شیعیان بپردازند و ایران نیز در این میان احتمالاً به حمایت از شیعیان خواهد پرداخت.

"جان آلترمن" مدیر بخش خاورمیانه مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل می‌گوید: مسأله‌ای که ما در دیگر کشورها شاهد آن بوده ایم، حال چه در ایرلند یا فلسطین، این است که تا زمانی که دیگران در خارج از یک کشور اقدام به کمک‌های مالی می‌کنند، ما شاهد نمایندگانی از آنها در داخل کشور خواهیم بود که کشتار را انجام می‌دهند.

"میشل فلورنوی" مدیر مرکز امنیتی جدید آمریکا که یک مرکز مطالعاتی غیر حزبی است هشدار داده است که خروج ناگهانی آمریکا از عراق پیامدهای زنجیرواری را خواهد داشت که باعث بی‌ثبات تر شدن منطقه یا حتی وقوع جنگ بین عربستان با ایران و عراق شود که سه کشور در ردیف اولین تولیدکنندگان نفت در جهان هستند.

باتوجه به اینکه آمریکا با نیروهای کنونی خود قادر به مهار کشتارهای فرقه‌ای نبوده، بسیار غیر منطقی است که فکر کنیم کاهش نیروها باعث خواهد شد که عراقی‌ها دیگر یکدیگر را به قتل نرسانند ولی آمریکا با داشتن حضوری کم‌رنگ تر در عراق، از قدرت نظامی بهتری برای جلوگیری از مداخله دیگران در این کشور برخوردار خواهد شد. پس از عقب نشینی اکثر نیروهای آمریکایی از عراق، هنوز برخی از نیروها باید در عراق باقی بمانند تا از گسترش جنگ داخلی جلوگیری کنند.

حامیان عقب نشینی مرحله‌ای از عراق همچنان باید بر پر سرو صداترین استدلال دولت بوش یعنی اینکه آمریکایی‌ها باید در عراق باقی بمانند تا از دستیابی القاعده به پناهگاه در این کشور جلوگیری کنند فائق آیند. با کاهش حمایت جمهوریخواهان از جنگ عراق، استفاده پنتاگون از لفاظی القاعده شدیداً افزایش یافته است.

در ۱۷ ژوئیه، دولت بوش تازه‌ترین برآورد اطلاعات ملی را منتشر کرد که در آن گفته شده بود القاعده احتمالا تلاش خواهد کرد تا از توانایی‌ها و تماس‌های خود با القاعده در عراق برای طراحی حملات علیه خاک آمریکا استفاده کند.

بوش نیز در سخنرانی ماه گذشته خود ۲۷ بار به نام القاعده اشاره کرد. "آنتونی کوردسمن" از تحلیلگران امنیتی در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل می‌گوید: ارتش آمریکا معتقد است گروه القاعده در عراق تنها حدود ۱۵ درصد از حملات عراق را برعهده دارد و دیگر گروه‌های سنی حدود ۷۰ درصد و شبه نظامیان شیعه نیز ۱۵ درصد باقی مانده از خشونت‌ها را برعهده دارند. حال آنکه به گفته کوردسمن این حملات مرگبارترین حملات هستند و احتمالا بیشترین خسارت را در پیش بردن عراق به سمت جنگ داخلی بر عهده دارد. در حال حاضر گروه القاعده در عراق برای اسامه بن لادن و معاون ارشد او ایمن الظواهری ارزشمند است. هرچند که ارتباط بین رهبران القاعده و نیروهای جهادی در عراق بسیار باریک است.

خشونت‌هایی که القاعده در عراق مرتکب می‌شود به این سازمان کمک می‌کند پول بیشتری جمع آوری و نیروهای جدیدی جذب کند. ولی این واقعیت وجود دارد که القاعده در عراق در حال فرار است و آمریکا دستگیری یکی از فرماندهان ارشد آن در عراق را اعلام کرده است. بسیاری از عراقی‌ها معتقدند وقتی آمریکایی‌ها از این کشور خارج شوند، آنها می‌توانند با تروریست‌ها قاطعانه‌تر برخورد کنند. شورای رستگاری انبار شیدایا به مبارزه با القاعده پرداخته و دیگر به آنها اجازه نمی‌دهد در این استان پناه گیرند. دولت آمریکا طی هفته‌های اخیر اعلام کرده است سنی‌ها در استان انبار به عناصر القاعده حمله کرده‌اند پس چرا این اقدام در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی باید پایان یابد؟ به گفته کوردسمن، اگر ما از عراق خارج شویم، بسیاری از تنش‌ها که امروز شاهد آن هستیم به سمت القاعده و دیگر گروه‌ها هدایت خواهد شد و لذا عراق دیگر به پناهگاه ساده‌ای برای القاعده تبدیل نخواهد شد.

البته تهدید گسترده‌تر جهادگرایان در عراق یا دیگر کشورها در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از بین نخواهد رفت. در اکثر طرح‌هایی که برای محدودتر شدن مأموریت نیروهای آمریکایی ارائه شده است (حتی پیشنهادات گروه مطالعه عراق) خواستار آن هستند که تعداد محدودی از نیروهای ضد تروریستی آمریکا در عراق باقی بمانند. "آنتونی زینی" فرمانده سابق مرکز فرماندهی آمریکا نیز که خواستار عقب نشینی تدریجی از درگیری فرقه‌ای عراق است می‌گوید: هیچ کس بخاطر حمله کردن به اهداف القاعده شکایت نخواهد کرد. این درحالی است که آمریکا باید در مورد توانایی‌های ۷۵ هزار نیروی خود که در عراق باقی خواهند ماند نیز واقع‌گرا باشد. "استفن بیدل" از شورای روابط خارجی آمریکا در این باره می‌گوید: من می‌خواهم در هر جایی که می‌توانم القاعده را نابود کنم، ولی فکر نمی‌کنم اگر نیمی از نیروهای خود را از عراق خارج و مابقی آنها را به بیابان‌ها منتقل کنیم دیگر چنین توانایی داشته باشیم. هرچند جنگ عراق باعث خستگی نیروهای آمریکایی شده است، ولی این جنگ تقریباً یکی از فوری‌ترین چالش‌ها علیه ثبات جهانی است.

پایان یافتن موانع در عراق به معنی پایان مسئولیت‌های آمریکا در برابر جهان نخواهد بود. با کاهش نیروهای آمریکایی از عراق، این کشور دیگر موضوع اصلی برای احساسات ضد آمریکایی در جهان نخواهد بود. از همه مهم‌تر اینکه آمریکا بار دیگر توانایی‌های نظامی، اقتصادی و عقلانی را که زمانی در اختیار داشت، به دست خواهد آورد و با استفاده از آن منافع خود در دیگر نقاط جهان را پیش خواهد بود و وجهه خود را نیز بهبود خواهد بخشید. البته این مساله نیازمند نوعی تلاش‌های دیپلماتیک خواهد بود که دولت بوش تا کنون از دنبال کردن آن خودداری می‌کرده است. بدیهی‌ترین نقطه شروع عراق خواهد بود که آمریکا بتواند از طریق آن بین شیعیان و سنی‌ها یک توافقنامه پایدار ایجاد کند. به گفته یکی از مقامات وزارت امور خارجه آمریکا، آنچه امروزه به آن نیاز داریم تمایل بیشتر به تعامل با نیروهای تندرو در دو طرف این اختلافات فرقه‌ای و همچنین تعامل بیشتر با ایرانیان و سوری‌ها است که همگی در آینده عراق نقش خواهند داشت. البته به گفته دیپلمات‌های آمریکایی کاخ سفید مخالف این مساله است. علاوه بر عراق، تلاش‌های بیشتر برای تشکیل یک دولت فلسطینی پایدار که در نهایت بتواند با اسرائیل به توافق برسد خود باعث خواهد شد تا یکی دیگر از منافع احساسات ضد آمریکایی و تندروی اسلامی از بین برود.

آمریکا همچنین باید به افزایش بی‌ثباتی در افغانستان نیز توجه کند و ممکن است مجبور شود برخی از نیروهای خود را که از عراق خارج می‌شوند برای حمایت از دولت متزلزل کابل به افغانستان اعزام کند. آیا این کار شدنی است؟ "مایکل مندلیام" که در دانشگاه جانز هاپکینز سیاست خارجی آمریکا را تدریس می‌کند هشدار داده است که منافع احتمالی بدست آمده از هر عملیات نجات محدود هستند و شامل مساله عراق نیز می‌شود. او با اشاره به اینکه هدف ما محدود کردن خسارت‌ها است اظهار داشت هنگامی که عملیات حمله به عراق آغاز شد ما چنین موفقیتی را مد نظر نداشتیم، خروج از عراق کند، آشفته و دردناک خواهد بود ولی هر اندازه که این مسیر دشوار باشد، همچنان این امکان وجود دارد که به محلی برسیم که از محل کنونی بسیار ایمن تر باشد".

بررسی جریان های سیاسی مذهبی در عراق

گیهان به نقل از پایگاه اینترنتی- بصیرت

دوشنبه 25 تیر 1386 (16 ژوئیه 2007)

عراق پس از اشغال همچنان درگیر مناقشات شدید و گسترده است و ریشه این بی‌ثباتی به دو عامل مهم داخلی و خارجی برمی‌گردد، بازیگر مهم خارجی در عرصه مناقشات عراق آمریکا است که تاکنون نتوانسته خود را از طریق اشغال عراق به دست آورد. از سوی دیگر، تحولات عراق ناشی از بازیگران درون صحنه سیاسی این کشور نیز هست و اگر از این بازیگران شناخت درستی نداشته باشیم، راهبردهای ما نسبت به این کشور، ناقص خواهد بود. از این رو، ضرورت دارد که جریانات موجود در عراق را با توجه به گرایش‌ها، گفتمان‌ها، تأثیرگذاری و تعامل و تعارض آنها با یکدیگر و دولت‌های منطقه و بازیگران فرامنطقه‌ای مورد بررسی قرارگیرد. شیعیان یکی از بازیگران اصلی صحنه تحولات عراق هستند. در مجموع، سه گروه عمده شیعه به علاوه آیت الله «سیدعلی سیستانی» در عراق فعالیت دارند که به دلیل قدرت و قابلیت نفوذشان، در تحولات از اهمیت خاصی برخوردار هستند. این سه گروه به قرار زیر هستند:

1- جریان صدر

«سیدمقتدا صدر» فرزند «سیدمحمدصادق صدر» است که در سال 1999 به دست عوامل صدام ترور شد. پدر بزرگش نیز در سال 1980 اعدام شده است. علی‌رغم اینکه بسیاری از تحلیلگران غربی مقتدا صدر را فاقد مشخصات لازم برای رهبری شیعیان می‌دانند، ولی در شرایط فعلی از پشتیبانی قشر وسیعی از مردم عراق برخوردار است. طرفداران وی اغلب جوانان تنگدستی هستند که فقر و بدبختی خویش را به اشغالگران، به ویژه آمریکا، نسبت می‌دهند. مقتدا صدر شرط کنار گذاشتن مشی مبارزه علیه اشغالگران را بیرون رفتن آنها از عراق می‌داند. او نفوذ زیادی در میان عشایر دارد. مقتدا از میان جوانان، سپاهی تحت عنوان «جیش المهدی» راه اندازی کرده است. او مسائل عراق و فلسطین را مرتبط و مشترک اعلام می‌کند و از این طریق، خود را در صحنه کشورهای عربی قرار می‌دهد. صدر اعلام کرده است «ما به فلسطینیان و سایر ملت‌های ستم‌دیده در خاور نزدیک اطمینان می‌دهیم که نبرد خواهیم کرد و بر ستمگران پیروز خواهیم شد. همچنین، او خود را حامی حماس و حزب الله معرفی کرده است. مقتدا صدر با این ویژگی‌های خود، حمایت قشر عظیمی از ناراضیان سنی، به ویژه در فلولجه، را نیز به خود جلب کرده است. به طور کلی، می‌توان خصوصیات جریان صدر را به قرار زیر مشخص کرد:

- 1- این جریان با اشغالگری آمریکا به شدت مخالف است و هرگونه مداخلات با این کشور را حرام می‌داند،
- 2- این جریان خود را مخالف سایر جریان‌های شیعه نمی‌داند،
- 3- دارای یک منطق درونی است مبنی بر اینکه شیعیان باید به صورت یک کل تجزیه ناپذیر حفظ شوند،
- 4- خود را در مقابل مراجع بزرگ شیعه مثل آیت الله سیستانی قرار نمی‌دهد،
- 5- با ایران اسلامی رابطه ویژه‌ای دارد،
- 6- دارای پایگاه اجتماعی قابل توجهی است و در شهرک «صدر» بغداد که بالغ بر دو میلیون نفر زندگی می‌کنند بیشترین طرفدار را دارد.

2- جریان معتدل

منظور از جریان معتدل در درون شیعیان، به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که سعی دارند از طریق مکانیسم‌های مسالمت‌آمیز و مذاکره و با استفاده از ظرفیت‌های مدنی، اهداف خود را پیش ببرند. مهمترین جریان معتدل در عراق «مجلسی اعلا» و «حزب الدعوه» هستند. مجلسی اعلائی اسلامی در نوامبر 1982 تأسیس شد. اعضای اصلی این تشکل از میان مخالفان رژیم صدام و برخی از اعضای سابق حزب الدعوه بوده‌اند. هدف از تأسیس مجلسی اعلا در اوایل دهه 1980 در واقع تمرکز دادن به نیروهای جهادی عراق با همکاری اعضای حزب الدعوه علیه رژیم بعث بوده است. مجلسی اعلائی اسلامی از همان ابتدای شکل‌گیری، توانست از یک وجهه بین‌المللی برخوردار شود.

اما بعد از مدتی، اختلافات آن با اعضای حزب الدعوه افزایش یافت و تعدادی از گروه های وابسته به آن، مجلس اعلا را ترك کردند. در اواخر دهه 1980 میلادی، مجلس بیشتر به طرفداران آیت الله «سیدمحمد باقر حکیم» اختصاص یافت، پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم بعث، الدعوه بار دیگر به مجلس اعلا پیوست و اکنون این دو تشکل مهم در کنار یکدیگر، برای آینده عراق به همکاری می پردازند و به عنوان دو حزب منظم و با قدرت در ساختار سیاسی عراق حضور دارند. مجلس اعلاي اسلامي عراق و الدعوه اکنون دو عالم بزرگ شیعیان عراق را با خود دارند، مجلس اعلا اعتبار شهید آیت الله «سیدمحمد باقر حکیم» و پدر ایشان، مرحوم آیت الله «سیدمحسن حکیم» و حزب الدعوه اعتبار شهید «سیدمحمدباقر صدر» را با خود دارند. این دو شخصیت، از علمای بانفوذ جامعه تشیع عراق به شمار می آمدند.»

در حال حاضر این تشکل با رهبری «سیدعبدالعزیز حکیم» نقش برجسته ای در ساختار سیاسی عراق دارد.

ویژگی های اصلی این جریان عبارت است از:

الف: دارای پایگاه اجتماعی گسترده در میان شیعیان عراق است، به گونه ای که به لحاظ رتبه بندی، در درون شیعیان مقام اول را دارد.

ب: ارتباط بسیار تنگاتنگ با مرجعیت شیعه، به ویژه حضرت آیت الله سیستانی دارد.

ج: این جریان سعی دارد از ظرفیت های مدنی و مسیرهای سیاسی، جایگاه شیعیان را ارتقا دهد.

د: نسبت به حضور اشغالگران نگاه ابهام آمیز دارد و با صراحت تاکنون در راه خروج آنها موضعی نداشته است.

ر: با جمهوری اسلامی ایران دارای روابط بسیار حسنه ای است.

3- جریان لائیک

«ایاد علاوی» یکی از سکولارترین و معتدل ترین نیروهای سیاسی در عرصه سیاسی عراق است. شیعه بودن و یعتنی بودن او باعث شد که به نوعی سمبل اتحاد شیعیان لائیک و سنی در عراق باشد. اکثر جریانات قومی، مذهبی و سیاسی مخالف جدی با او نداشته اند، وی در پایان جنگ، از معدود افرادی بود که با اقدام نیروهای ائتلاف در انحلال حزب و ارتش عراق مخالفت کرد و آن را باعث افزایش هرج و مرج دانست.

اعتراض شدید او به حمله گسترده ارتش آمریکا به فلوجه نیز موجب افزایش نسبی محبوبیت او در بین مردم شد. مختصات مهم جریان لائیک عبارتند از:

الف: پایگاه اجتماعی گسترده در میان مردم عراق ندارد.

ب: دنباله روی سیاست های راهبردی آمریکا در عراق است.

ج: با جریانات شیعی اصل ستیز دارد.

د: با ارتباط میان عراق جدید و جمهوری اسلامی ایران مخالف است.

ر: با همسایگان عرب سنی در منطقه هم صدا است.

ز: با مرجعیت عراق ارتباط ندارد.

حضرت آیت الله العظمی سید علی سیستانی

پس از وفات آیت الله «خوئی» آیت الله سیستانی مرجعیت اسلامی شیعیان عراق را برعهده گرفت. ایشان در حال حاضر چهره بانفوذ حوزه های علمی شیعه در این کشور محسوب می شود در واقع آیت الله سیستانی در حال حاضر، رهبری دینی شیعیان را به عهده دارد، و مرجع تقلید شیعیان در عراق به شمار می رود، وی علاوه بر عراق، در پاکستان، افغانستان، عربستان، کشورهای خلیج فارس، شیعیان اروپا، آمریکا و ایران نیز مقلدانی دارد.

حضرت آیت الله سیستانی در 15 آذر 1382 آمریکا را مجبور کرد تا نسبت به اصلاح طرح انتقال قدرت به مردم عراق اقدام کند.

وی همچنین، در دیدار با «جلال طالبانی» رئیس جمهور عراق، عنوان کرد: ما با ایجاد يك نظام دموکراتیک و مردم سالار در عراق مخالفتی نداریم، بلکه بر ضرورت ایجاد چنین نظامی تاکید هم می کنیم.

جریان کرد

به لحاظ قدرت تشکیلاتی، گروه های کرد دومین حوزه قدرت سیاسی عراق را شکل می دهند، قدرت آنها به ویژه از آن جهت است که در يك حوزه جغرافیایی مشخص مستقر هستند. با برخورداری از منابع شمال عراق و حمایت نظامی آمریکا، از عمده ترین و موثرترین نیروهای سیاسی عراق به شمار می روند. با این همه، کردها نیز از لحاظ درونی از وحدت و همبستگی کامل برخوردار نیستند و میان آنها رقابت های سیاسی و ایدئولوژیک بر سر قدرت به چشم می خورد، به طور کلی، طیف های سیاسی کرد را در سه جریان اصلی می توان تقسیم بندی کرد:

- 1- جریان های سنتی قبیله ای حزب دموکرات کردستان
- 2- نیروهای چپ گرای سوسیالیست کرد اتحاد میهنی کردستان
- 3- نیروهای اسلام گرای کرد جنبش اسلامی کردستان عراق

1- جریان های سنتی- قومی کردی

این جریان که به نوعی قوی ترین و با نفوذترین جریان سیاسی عراق به شمار می رود، در حزب دموکرات کردستان عراق () به رهبری «مسعود بارزانی» پسر «ملا مصطفی بارزانی» رهبر سابق حزب تجلی یافته است. حزب دموکرات کردستان کنترل بخش مهمی از کردستان عراق را در دست دارد. و سالها نیز بر منابع مالی شمال عراق نظیر عوارض و مالیاتهای مرزی نظارت داشت و در سالهای دهه 1990 توانست نوعی دولت خودگردان منطقه ای در شمال عراق به وجود آورد. حزب کردستان نقش عمده ای در قیام فوریه (1991) (1370ش) علیه رژیم عراق داشته است.

2- نیروهای چپ گرای سوسیالیست کردی

نماینده اصلی این جریان را اتحادیه آحاد میهنی کردستان عراق () به عهده دارد. که توسط «جلال طالبانی» رهبری می شود. اتحادیه میهنی در سال 1975 به دلیل ایدئولوژیک از حزب دموکرات کردستان عراق منشعب شد. اتحادیه میهنی از سوی جریانهای کوچک چپ گرای کردی نیز حمایت می شود، و بسیاری از آنها در قلمرو تحت نفوذ اتحادیه میهنی به فعالیت مشغول هستند. حزب عمل برای استقلال کردستان () به رهبری «یوسف حنیوسف» اتحادیه دموکراتیک کردستان () متشکل از 5 گروه کوچک چپ گرای کرد، و حزب زحمتکشان کردستان عمده ترین گروه های چپ گرای رادیکال قومی کرد تحت حمایت اتحادیه میهنی کردستان عراق هستند.

3- نیروهای اسلام گرای کرد

اسلام گرایان کرد در واقع بیشتر در سال های دهه 1990 در صحنه سیاسی عراق ظاهر شده اند. اولین گروه اسلام گرای کرد به نام جنبش اسلامی کردستان عراق () در 1986م، توسط شیخ «عثمان عبدالعزیز» بنیانگذاری شد. علاوه بر جنبش اسلامی گرای کردستان عراق، جنبش های اسلام گرای دیگر نیز در منطقه کردی فعال بوده اند برخی از آنها عبارتند از:

حزب الله انقلاب کرد () به رهبری شیخ «ادهمه بارزانی» پسر عموی «مسعود بارزانی» و اتحادیه اسلامی کردستان () به رهبری «صلاح الدین محمد بهالدین».

کردها از اوایل دهه 1970 وقتی که «صدام» نفر دوم صحنه قدرت در بغداد بود، با دولت عراق مبارزه کردند، اما بعد از توقف حمایت ایران «رژیم پهلوی»، آمریکا و اسرائیل از کردهای عراق در سال 1975، جنبش چریک های کرد فرو پاشید. صدام همچنین ساکنان کرد شهر کرکوک را با زور بیرون کرد بعد از جنگ اول خلیج فارس و خودمختاری نسبی که برای کردها فراهم شده بود، آنها در مناطق شمالی عراق کنترل اقتصاد، مدارس و مساجد خود را بدست گرفتند. کردها در این دوره مطبوعات آزاد و یک گروه شبه نظامی تاسیس و انتخابات برگزار نمودند. دو حزب اتحادیه میهنی و دموکرات سال ها اختلاف و درگیری داشتند، اما در آستانه حمله آمریکا به عراق، دوطرف برای حفظ منافعشان اختلافات را کنار گذاشته و اکنون یک صدا سخن می گویند آنها اکنون به صراحت می گویند از گذشته درس گرفته اند. چون جنگ قدرت ضربه سنگینی به آنها وارد کرد، اکنون آنان به خواسته هایشان، که بخشی از حکومت عراق باشند رسیده اند. طالبانی، رئیس جمهور عراق، می گوید: به نظر من، بهترین شعار، یک عراق دموکراتیک، پارلمانی و فدرالی است، ما نباید وقت خود را با شعارهایی به هدر بدهیم، که تحقق آنها همه محال باشد.

طالبانی افزود، از دلایلی که باعث شد من از بارزانی جدا شوم این بود که ایشان تمایل قبیله ای و عشیره ای داشت. دلیل دیگر، دیدگاه مائونیستی من بود. البته این دیدگاه در دوره ای از زندگی من بود اما اینک خود را سوسیالیست و معتقد به دموکراسی و حقوق بشر که در بیانیه جهانی حقوق بشر آمده است، می دانم. دلیل دیگر موضع گیری نسبت به آمریکا بود: ما به علت چپ بودنمان در آن هنگام ضدآمریکایی، ضدامپریالیسم و ضد این مقوله ها بودیم، خصوصیات جریان های کردی عبارت است از:

1- نوعی علقه های عاطفی بین رهبران کرد و نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد،

2- کردها در مقایسه با سایر گروه ها، مناقشه ای با شیعیان ندارند،

3- کردها با همسایه شمالی خود (ترکیه) مشکلات جدی دارند،

4- صهیونیست ها در منطقه کردنشین نفوذ دارند و می خواهند از این طریق برای ایران مزاحمت ایجاد کنند.

3-جریان سنی

حمله آمریکا به عراق، برای جامعه سنی عراق که به نوعی به ساختار قدرت نظام صدام وصل بودند نگرانی ایجاد کرد، زیرا آنها اقلیتی بودند که دهه هایی بر اکثریت جامعه حکومت می کردند. اکنون بخش اعظم جمعیت اهل تسنن عراق از اشغال کشورشان ناراضی اند لذا، امروز شبه نظامیان سنی که برآیندی از افراطیون سلفی، تکفیری و نیز بعضی های زخم خورده هستند، دست به حملات می زند آنها از حمایت معنوی و گاه مادی برخی رژیم های عرب برخوردارند، با بهره گیری از سازماندهی و تکنیک های پیشرفته، عراق را به معرکه ای خونین تبدیل کرده اند.

این گروه ها، نه تنها اشغالگران را هدف قرار می دهند، بلکه مردم بی گناه و به ویژه شیعیان و حتی تأسیسات و زیرساخت های عراق از حملات تروریستی آنها در امان نمانده است، هدف این گروه ها، انتقامجویی و بازداشتن عراق از سیر در روند جاری و بازگشت حاکمیت اقلیت همانند دهه پیشین

عراق است و برای این منظور، شبه نظامیان سنی در عراق در قالب گروه ها و سازمان های مختلفی شکل گرفته اند که عمده ترین آنها در ذیل نام برده می شوند:

- سازمان جهادالقاعده در سرزمین راندین (ارتش اسلامی در عراق)
- ارتش انصار سنی (جبهه اسلامی مقاومت عراق)،
- جبهه ملی قومی، اسلامی در عراق (مجلس شورای مجاهدین)،
- مقاومت اسلامی ملی (مناصر و اهل سنت)
- ارتش عمر (جنبش اسلامی مجاهدین)،
- هیأت دعوت ارشاد و فتوی (ارتش مجاهدین)،
- سربازان صحابه

البته گروه های دیگری که حضور کمتری دارند، عبارتند از: ارتش راشدین، ارتش طائفه منصوره، گروه عصاب اهل عراق، گردان های الغضب الاسلامی، گردان های اسود التوحید (شیران توحید) گردان های سیوف الحق (شمشیرهای حق)، ارتش فاتحان

لازم به ذکر است که آنها در صحنه امروز عراق بیشترین حملات را علیه شیعیان آن کشور انجام می دهند که مبارزه با آنها در قالب عملیات انتحاری، هیچگونه ارزش نظامی ندارد، بلکه بیان کننده عمق کینه آنها به مردم مظلوم عراق است، که امروز بار تجاوز متجاوزین را بر دوش می کشند.

اغلب شبه نظامیان موجود در عراق برنامه های سیاسی خود را به طور واضح و روشن اعلام نمی کنند، ولی آنها اهداف خود را به جای تمرکز بر بیرون راندن نیروهای اشغالگر متوجه شیعیان کرده اند، مجموع فعالیت های جریان سنی در صحنه عراق را می توان، این گونه آرایش بندی کرد:

- 1- جریان معتدل: این جریان سعی دارد با حضور در پارلمان و حکومت، امتیازات مربوط به اهل تسنن در عراق را افزایش دهد. این گروه خود را با سیاست های کشورهای همسایه همراه ساخته تا با فشار بر آمریکا و شیعیان موقعیت خود را نسبت به وضعیت موجود متحول سازد.
- 2- جریان سلفی تکفیری: این جریان عمده تاً عملیات خود را متوجه شیعیان چه در عرصه حکومت و چه در عرصه دفاع و چه در عرصه مردمی کرده و تصمیم دارد با آشوب در عراق و انفجار بمب، موازنه موجود در عراق را به نفع اهل تسنن تغییر دهد. این جریان بنا بر اطلاعات موجود، ارتباطاتی را با سازمان های اطلاعاتی کشورهای عربستان، اردن، مصر و حتی موساد و سیا برقرار کرده است.
- 3- جریان بعثی «اگرچه در درون جریان بعثی ممکن است شیعیانی هم وجود داشته باشند، اما عمده اعضای این جریان را اهل تسنن تشکیل داده و به جهت علقه های سازمانی که به حزب بعث داشته اند، در صدد بازگرداندن عراق به وضعیت قبل از اشغال هستند.

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

بررسی روزنامه های صبح دوشنبه ایران
 فردا: دوشنبه 1 مرداد 1386 (23 ژوئیه 2007)

روزنامه **کیهان** به دنبال پخش یک برنامه تلویزیونی با حضور فرمانده نیروی انتظامی تهران صدای و این روزنامه با اشاره به سئوالات مجری برنامه تلویزیونی کوله پشتی در خصوص طرح امنیت اجتماعی

کیهان در عین حال اشاره مجری به برخورد خشونت آمیز نیروی انتظامی با زنان و جوانان در طرح امنیت

روزنامه **ایران**، هشدار مشاور ارشد رییس جمهوری اسلامی به احزاب را منعکس کرده و از قول به نوشته ارگان رسمی دولت، آقای ثمره هاشمی که همزمان دو سمت مشاور ارشد احمدی نژاد و

روزنامه ایران در عین حال از دفاع وی از محدود کردن روش های تبلیغ نامزدهای انتخاباتی خبر داده و از

روزنامه **اعتماد ملی**، ازنامه جمعی از نمایندگان مجلس به رییس جمهوری اسلامی به منظور

این روزنامه به نقل از سعید ابوطالب عضو کمیسیون فرهنگی مجلس نوشته در این نامه به برخورد با

به گفته این نماینده مجلس طی این نامه که در مرحله جمع آوری امضا قرار دارد، برخی فشارها برای اعتماد ملی انتقاد آقای ابوطالب نسبت به نحوه توزیع یارانه های نقدی بین مطبوعات و خبرگزاری های روزنامه **جمهوری اسلامی** خبر داده که حال آیت الله مشکینی بحرانی است. به نوشته این روزنامه، جمهوری اسلامی با اشاره به اینکه آقای مشکینی همچنان در «آی .سی .یو» و زیر دستگاه تنفس روزنامه **اعتماد** از مناقشه درباره انتخاب دو حقوقدان شورای نگهبان خبر داده است. به نوشته این روزنامه، روز گذشته مجلسی ها معترض به تعجیل رییس مجلس در رای گیری برای

اعتماد درعین حال خبر داده که نمایندگان مجلس دیروز به عباسعلی کدخدائی سخنگو و عضو فعلی روزنامه **همشهری** از کاهش 70 درصدی سفر به شمال کشور خبر داده است. به نوشته این روزنامه، با گذشت چند هفته از سهمیه بندی بنزین، مسافرت به شهرهای شمالی محمدعلی فرخ مهر رییس اتحادیه هتلداران و هتل آپارتمانداران استان تهران با اشاره به این مطلب، به همشهری از قول رییس اتحادیه هتلداران استان تهران از کاهش ۳۰ درصدی مسافرت به تهران نیز خبر

بررسی روزنامه های صبح یکشنبه ایران
فردا: یکشنبه 31 تیر 1386 (22 ژوئیه 2007)

روزنامه **رسالت**، طی یادداشتی با عنوان «متهم وکیل نمی شود» شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل نویسنده این روزنامه با اشاره به اینکه «اسامی برخی از افراد در اعترافات تلویزیونی سه تن از متهمین

رسالت در عین حال «این فرصت» را فرصتی ناامید که «می تواند برای این اشخاص تعیین کننده باشد یادداشت روزنامه رسالت که نامی مستعار را برپیشانی خود دارد، شیرین عبادی و برخی دیگر از

روزنامه **اعتماد ملی** از ابراز نگرانی مادر منصور اسانلو از وضعیت پسرش خبر داده است. به نوشته این روزنامه، یازده روز پس از دستگیری منصور اسانلو، از فعالان جامعه کارگری ایران و رییس به نوشته اعتماد ملی، مادر آقای اسانلو به این روزنامه گفته است: «در طول دو سال گذشته پسرم یا وی همچنین گفته است: «۱۱ روز است که من و همسر و فرزندانم از منصور اسانلو بی خبر هستیم روزنامه **همشهری**، از برگزاری دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا در روز دوشنبه، اول مرداد، خبر داده به نوشته این روزنامه، پس از آنکه هفته گذشته منوچهر متکی، وزیر امور خارجه از قریب الوقوع بودن

روزنامه **کیهان**، به نقل از مسئول اطلاع رسانی نیروی انتظامی تهران بزرگ از تشدید برخورد با مظاهر به نوشته این روزنامه، نیروی انتظامی اعلام کرده است که از اول مرداد ماه «با اماکنی که لباس های کیهان از قول سرهنگ مهدی احمدی، معاون اطلاع رسانی این نیرو نوشته است: «دستگیری زنان و

روزنامه **اعتماد**، در یادداشتی با عنوان «سرنوشت نامعلوم درآمدهای نفتی پس از انحلال سازمان

حمیدرضا برادران شرکا، نویسنده این یادداشت و از کارشناسان اقتصادی با اشاره به اینکه «در این

روزنامه **ایران** از احتمال جیره بندی آب در کرمان خبر داده است. به نوشته این روزنامه، کرمان با مسئله کمبود منابع آب آشامیدنی روبه رو است و به گفته مدیرعامل ایران از قول محمد تربتی نوشته است: خشکسالی سبب افت شدید فشار آب زیر زمینی در این

روزنامه **تهران امروز**، خبر داده است که تا پایان امسال، راه آهن خصوصی می شود. به دنبال انتصاب حسن زیاری، عضو سابق شورای شهر تهران و از نزدیکان رییس جمهوری اسلامی به

تهران امروز در عین حال از قول آقای سعید نژاد، مدیر عامل سابق راه آهن با یادآوری حادثه انفجار قطار

نتایج تحقیق این انفجار با گذشت پنج سال از وقوع آن کماکان در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته است.

از صدور قطعنامه تا 'جام زهر

مسعود بهنود

روزنامه نگار مستقل

جمعه 29 تیر 1386 (20 ژوئیه 2007)

بی بی سی: نوزده سال بعد از پایان جنگ هشت ساله ویرانگری که به گفته تحلیلگران آزادیهای به دست آمده از انقلاب را از میان برد و آرزوهای انقلابیون را نقش بر آب کرد، در حالی که تحولات منطقه ای و جهانی احتمال دریافت غرامت و خسارت را از ایران گرفته است، از آن جنگ جز ۲۳ هزار نفر معلول جنگی که به گفته دولتمردان در عین عسرت به سر می برند و تورم و گرانی که هنوز دولتها با صرف میلیاردها دلار درآمد نفتی موفق به مهار آن نشده اند، چیزی به جا نمانده است. خبرهای گهگاهی از انفجار مین عمل نکرده، موشک منفجر نشده و مرگ یکی از قربانیان بمبهای شیمیایی به یاد صدها هزار خانواده می اندازد که چگونه عزیزانشان با شوق، به سودای نبرد با کفر و حضور در بهشت به میدان جنگی رفتند که اینک دیگر کسی مدافع آن نیست و کسی اشتیاقی به بر دوش کشیدن مسئولیت تصمیمهای مقطعی آن ندارد. روز بیستم ژوئیه سال ۱۹۸۷ [مصادف با 29 تیر سال 1366] قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به تصویب تمامی اعضای شورای امنیت سازمان ملل رسید اما رسانه های دولتی ایران جز خبری عادی از آن پخش نکردند.

پس کسی گمان نداشت که این قطعنامه بتواند حدود یک سال بعد، زیر فشارهای متعدد و از جمله ورود آمریکا به حاشیه جنگ، پیامهای هشدار دهنده مسکو، کاهش درآمدهای ارزی و افزایش تلفات جنگ، توسط حکومت جمهوری اسلامی پذیرفته شود و به هشت سال جنگ پایان دهد.

با وجود آنکه از اواسط جنگ مشخص بود که سیاست مهار دوگانه آمریکا که با موافقت اروپاییها همراه شد، امکان پیروزی ایران قوی تر را به صفر رسانده اما نفوذ آیت الله خمینی باعث می شد با هر سخنرانی وی هزاران نفر عازم جبهه های جنگ شوند و این امیدواری به وجود آید که با ادامه پایداری بتوانند عراق را سرکوب کنند، آرزویی که سرانجام تحقق نیافت.

یک سال بعد، جنگ بدون پیروزمند واقعی پایان گرفت، گرچه هر دو کشور به مردم خود چنین وانمود کردند که پیروز شده اند.

در سالهای اخیر، افشاگریهای مقامات تصمیمگیر و تصمیمساز نشان می دهد که هر چقدر بر سر مسئولیت آغاز جنگ اتفاق نظر وجود دارد [و همگان بر این باورند که صدام حسین با لغو قرارداد ۱۹۷۵ و به تصور از هم پاشیدگی ارتش ایران بعد از انقلاب، با نیروی هوایی به خاک ایران حمله ور شد] اما درباره تصمیمگیری به ادامه جنگ و به اعلام پذیرش قطعنامه شورای امنیت و پایان جنگ اختلاف نظرهایی وجود دارد که کشف حقیقت را دشوار می کند.

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل که درباره جنگ ایران و عراق صادر شد و به فاصله اندکی دولت عراق آن را پذیرفت با بی اعتنائی جمهوری اسلامی روبرو شد که اکثر دولتمردان آن، تبلیغات داخلی را باور کرده بودند که همان است که بعد از بیست سال هنوز فرمانده یکی از لشکرهای سپاه پاسداران قطعنامه را چنین توصیف می کند: "غرب چنین درخواستی را برای نجات مزدوران عراقی از دست رزمندگان اسلام داشت که در آن به ارتشهای دو کشور توصیه می کرد به پشت مرزهای خود برگردند و آتش بس را بپذیرند".

اما واقعیتهای جبهه جنگ، سرنوشت دیگری را نشان داد.

شبه جزیره فاو، بزرگترین منطقه ای که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به دست آورده و عملاً ارتباط عراق را با خلیج فارس قطع کرده بود، از دست رفت.

حاج محمد کوثری فرمانده سابق لشکر ۲۷ محمد رسول الله و معاون فعلی امنیت ستاد نیروهای مسلح، شرایطی را که در فروردین سال ۱۳۶۷ اتفاق افتاد چنین توصیف می کند: "ما در فاو نیروی آنچنانی که بتواند در مقابل تجهیزات بسیار زیاد عراق مقاومت کند نداشتیم، از سوی دیگر جو جامعه ما در آن مقطع در راستای انتخابات دوره سوم بود، نزدیکی امتحانات پایان سال هم مزید بر علت شده بود که عراق در بازپس گیری فاو راحت تر باشد چون عمده نیروهای ما بسیجیانی بودند که آماده امتحان می شدند، در جبهه ها هم حالت آرامش وجود داشت، همه این عوامل دست به دست هم دادند تا عراق، آن هم با پشتیبانی آمریکا به فاو حمله کرد و آنجا را بازپس گرفت".

گزارشها نشان می داد که روزهای سخت تری برای اقتصاد کشور در پیش است، فشار بر مردم شدت گرفته، آنها بشدت فرسوده شده اند و انتقاد از روند اداره مملکت افزایش یافته است.

در همین زمان بود که گروهی از افراد واقع نگر در داخل جمهوری اسلامی دست به کار یافتن راهی سیاسی برای پذیرفتن قطعنامه و پایان آبرومندانه جنگ شدند.

سال گذشته فرمانده پیشین سپاه پاسداران برای چندمین بار زبان به انتقاد از اکبر هاشمی رفسنجانی فرمانده وقت جنگ گشود، با این ادعا که بعد از صدور قطعنامه امکان پیروزی برای نیروهای مسلح ایران وجود داشت اما آقای هاشمی با انتشار نامه ای به امضای بنیانگذار جمهوری اسلامی نشان داد که آیت الله خمینی هم ادعای وی را بلندپروازانه و خطرناک دانسته بود.

علاوه بر نامه افشاشده آیت الله خمینی که جناح تندرو و هواداران دولت محمود احمدی نژاد بشدت از افشای آن انتقاد کردند و حتی آن را "از اسرار جنگی" خواندند، مهمترین افشاگریهای دیگری که فضای آن دوران حکومت را نشان می دهد، مجادله قلمی علی اکبر ولایتی و محمدجواد لاریجانی، وزیر و معاون وزارت خارجه دوران جنگ است.

محمدجواد لاریجانی ادعا می کند که عده ای از دولتمردان بدون داشتن ابتکار عمل فقط چشم به دهان روحانیون دوخته بودند و به استناد اینکه مملکت صاحب دارد با هر نوع ابتکاری از جمله شکستن تابوی پایان جنگ مخالفت می کردند.

آقای لاریجانی همزمان با بیستمین سالگرد صدور قطعنامه با اشاره به سفرهایش به نیویورک و دیگر کشورها که در آخرین هفته های جنگ صورت می گرفت نوشته: "نه تنها نخست وزیر وقت، رئیس جمهور و رئیس مجلس بلکه حضرت امام در جریان قرار می گرفتند و تا من مطمئن نمی شدم که آن بزرگوار نظر مساعد دارند، قدمی برنمی داشتم اما آقای ولایتی در تمام طول این مذاکرات، حتی یک لحظه هم حاضر نشدند به موضوع، نتایج، متن و مسیر توجه کنند و همواره می گفتند چون حساسیت عمومی وجود دارد، من مخالفم".

بنا به نوشته جواد لاریجانی که مسئول مذاکرات بر سر قطعنامه شورای امنیت شده بود، "بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ تحت فشار آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل متحد به ایران اخطار داد که اگر موضع خود را نسبت به قطعنامه ۵۹۸ روشن نکند، قطعنامه جدیدی صادر خواهد شد که ایران را تحت فشار می گذارد و تمام کارهای کارشناسی و نظر مسئولان بر این بود که نباید اجازه داد چنین قطعنامه ای صادر شود، آقای ولایتی در اتاق آقای شیخ الاسلام [یکی دیگر از معاونان وزارت خارجه] جلسه برگزار کرد و مرا که مسئول مذاکرات قطعنامه ۵۹۸ بودم صدا کرد و گفت: "تا من وزیر خارجه ام، اجازه نمی دهم که این قطعنامه قبول شود"، درست دوازده ساعت بعد، مرحوم حاج احمدآقا (ره) زنگ زدند و گفتند که حضرت امام فرموده اند بروید نیویورک و آنها را متقاعد کنید که ما قطعنامه را رد نکرده ایم و قصد رد کردن هم نداریم".

آقای لاریجانی، وزیر خارجه زمان جنگ را متهم کرده که "به خشکسالی فکری و عملی در دیپلماسی" مبتلا بوده و آن را زیر لعاب قانونگرایی و اینکه مملکت صاحب دارد، یک کارشناس حرفی زده که نمی شود و از این قبیل امور پنهان کرده است".
محمود جواد لاریجانی هشت ماه پس از آنکه ایران قطعنامه 598 را پذیرفت از معاونت وزارت خارجه کناره رفت.
علی اکبر ولایتی می گوید که آقای لاریجانی به خواست وزارت اطلاعات از معاونت وزارت خارجه برکنار شد.

پذیرش قطعنامه

در این میان، روایت آیت الله موسوی اردبیلی، رئیس قوه قضاییه وقت [با عنوان رییس شورای عالی قضایی] در گفتگوهای پدیدآمده بین فرمانده جبهه ها و فرمانده سپاه پاسداران گم شد.
آیت الله موسوی اردبیلی در روایت خود گفته است که وقتی سران کشور در حضور آیت الله خمینی جمع بودند که بر ادامه جنگ تأکید داشت و شکستهای آن روزی را به چیزی نمی گرفت و اصرار می کرد که مؤمن از کشته شدن در راه حق ترسی به دل راه نمی دهد، پیدا بود که گزارش آقای هاشمی رفسنجانی که بر اساس جمع آوری اطلاعاتی از دولت و نیروهای نظامی به دست آمده، نتوانسته بود کارگر بیفتد.

به گفته آیت الله موسوی اردبیلی، که پنج سال قبل باز هم آن را مؤکد کرد، آیت الله خمینی در این لحظه که قصد پایان دادن به جلسه را داشت، در حالی که بشدت متأثر شده بود اظهار می دارد برای ما کشته شدن توسط موشکها و بمبهای صدام افتخاری است و مردم هم مجسمه ما را خواهند ساخت اما اگر با فشاری که بر مردم وارد می آید آنها ما را بکشند این دیگر نه که افتخاری نیست بلکه سرشکستگی تاریخی است.

هر چند روایت نشان می دهد که با اصرار چند تن از حاضران در آن جلسه، مقرر می شود یکی از مسئولان، پذیرش قطعنامه را اعلام کند و واکنشهای احیاناً منفی نصیب وی شود.
با پیشنهاد اکبر هاشمی رفسنجانی، خود وی داوطلب چنین کاری می شود اما بعد از گذشت چند دقیقه آیت الله خمینی دستور می دهد که لازم نیست و خود نامه ای به ملت خواهد نوشت.
نامه مشهور به "جام زهر" که رهبر جمهوری اسلامی با نوشتن آن پایان جنگ را اعلام داشت و خطاب به جنگنده ها گفت که با خدای خود معامله کرده و چنین تصمیمی گرفته است، به بحثها و گفتگوهای که به گفته محسن رضائی در جبهه های جنگی وجود داشت، پایان داد.
در دهمین سال بعد از جنگ محسن رضائی در آخرین روزهای فرماندهی سپاه پاسداران در مصاحبه ای با روزنامه سلام برای اولین بار گلایه خود را از آقای هاشمی رفسنجانی باز کرد.
به گفته وی، نماینده وقت ولی فقیه در شورای جنگ با جمع آوری میزان نیازهای واحدهای نظامی و دولت، این نتیجه را به دست آورد و در اختیار دیگران گذاشت که خزانه خالی است، کشوری حاضر به دادن وام و فروش نسیم نیست، تلفات جبهه ها هم فزون شده است.
به گفته وی این آمار بر اساس جمعبندی خواستهای حداکثری نهادهای نظامی و دولت تهیه شده بود و ارائه دهندگان آمار نمی دانستند که برای چه منظوری آن را اعلام می کنند.
صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل گرچه بیست سال پیش، شور و هیجانی در مردم ایجاد نکرد اما در هیجدهم ژوئیه (27 تیر) سال بعدش که پذیرش قطعنامه توسط ایران اعلام شد، شوکی اقتصادی و اجتماعی بود که کاهش ناگهانی بهای ارز و خودرو از جمله نشانه های آن بود.
در آن زمان در قفسه های فروشگاهها چیزی دیده نمی شد، تقریباً همه کالاها کوپنی و جیره بندی شده بود و بهای ارز در بازار آزاد چند برابر نرخ رسمی آن بود.

غرامت و خسارت

اما غرامت و خسارت که گمان می رفت در زمانی دریافت آن قطعی بوده است، بعد از پایان جنگ تبدیل به افسانه ای شد و در سیاست خارجی ایران عملاً به صورت مسئله ای درجه دوم در آمد.
صدام حسین به فاصله دو سال بعد از پایان جنگ ایران و عراق، ناتوان از پرداخت بدهی دوران جنگ خود به کویت حمله برد و کوتاه زمانی بعد با ضربه های مهلک ارتش آمریکا و متحدانش ناگزیر شد از آن کشور خارج شود و محدودیتهایی را بپذیرد که بعد از دوازده سال تحمل مصائب بزرگ، سرانجام به حمله نظامی نیروهای تحت رهبری آمریکا به آن کشور انجامید و جایی برای طلب غرامت جنگ به ایران باقی نگذاشت.

به نوشته محمدرضا دبیری، کارشناس مسائل بین المللی، حقوق حقه ایران در هر زمان در حال و آینده، بویژه درخصوص مطالبه غرامات به صورت جدی پابرجاست اما در شرایط فعلی شاید بند هشت قطعنامه بیش از دو بند دیگر قطعنامه امکان بررسی و پیگیری جامع دستگاه سیاست خارجی را داشته باشد.

به نوشته این کارشناس، "اگرچه در زمان تصویب قطعنامه با وجود صدام حسین و حزب بعث در عراق امکان اینکه ترتیبات امنیتی منطقه ای در خلیج فارس به وجود آید و ایران و عراق و شیخ نشینهای جنوب خلیج فارس را با ابزار حقوقی بین المللی یا حتی تفاهم سیاسی به گونه ای ملتزم کند، وجود نداشت اما اکنون هم با سوء تفاهمهایی که سیاست دوستانه و تنش زدایی قبلی را کمی مکدر کرده است، شرایط مساعدی در افق دیده نمی شود".

در آستانه بیستمین سالگرد صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، اجتماع جمعی از معلولان جنگی [که جانبازان خوانده می شوند] نشان از آن داشت که هنوز این گروه با همه تبلیغاتی که جناح محافظه کار به نام آنان انجام می دهد از ساده ترین امکانات معیشتی محرومند. بر پلاکاردهای عده ای که در برابر ساختمان ریاست جمهوری تظاهراتی به راه انداختند جملاتی دال بر پشیمانی آنان از شرکت در جنگ به چشم می خورد. بعد از آن تظاهرات بود که یکی از مشاوران رئیس جمهور اعلام داشت که ۲۳ هزار "جانباز معسر" شناخته شده اند که باید سازوکاری برای کمک به آنان پیدا شود. اینان کسانی هستند که گرانبهاترین عنصر وجود خود را در جنگی نثار کردند که اینک هیچ خبری از آن نیست.